

## تنش در روابط افغانستان و پاکستان (پس از روی کار آمدن طالبان)

دکتر سید اسدالله حیدری\*

تنش بین افغانستان و پاکستان، که بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند، طی روزهای اخیر شدت گرفته و هر کدام یکدیگر را در مورد ناآرامیهای داخلی کشور خود متهم می‌کنند. تنشهای موجود نه تنها امروزه مطرح می‌باشد بلکه سابقه طولانی دارد. ریشه این تنشها برمی‌گردد به دوران حاکمیت بریتانیا در شبه قاره هند، که در آن موقع دولت پاکستان قسمتی از هندوستان محسوب می‌شد و استقلال خود را به دست نیاورده بود. پاکستان بعد از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۷، از هند جدا شد و به رهبری ایوب‌خان به استقلال دست یافت. چند مقوله را می‌توان در مورد تنشها و چالشهای موجود در روابط دو کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱. مهم‌ترین تنش در روابط بین افغانستان و پاکستان از زمان حاکمیت انگلستان بر شبه‌قاره هند در اواخر قرن هیجدهم آغاز می‌شود. اختلاف بین حاکمان هند و افغانستان در دهه ۱۸۸۰ یعنی سالهای آخر دوران سلطنت امیر عبدالرحمن خان شروع شد که، با فشار انگلستان، قرارداد دیورند و در دهه ۱۸۹۰ بعد از مرگ عبدالرحمن خان، و اوایل

---

\* پژوهشگر علوم سیاسی از کشور افغانستان

حکومت سلطنت محمد یعقوب خان، قرارداد گندمک را تحمیل نمودند. بر طبق این قراردادها خطوط مرزی تعیین شد و مناطق عظیمی از افغانستان (از پیشاور تا نزدیک اسلام‌آباد و قلعهٔ اٹک) و همچنین کوه‌های صعب‌العبور گندمک (که نیروهای انگلیس از این ناحیه استراتژیکی ضربات و صدمات را در جنگ با افغانها متحمل شده بودند) برای مدت یکصد سال به حاکمان آن روز هند واگذار شد. مردم افغانستان واگذاری سرزمینها طی قراردادهای مزبور را لکهٔ ننگی بر تاریخ افغانستان می‌دانند.

۲. اختلافات دولت ذوالفقار علی بوتو نخست‌وزیر وقت پاکستان و سردار محمد داوودخان، چه در دوران صدارتش در رژیم سلطنتی محمدظاهرشاه و چه در دوران ریاست جمهوری‌اش، به حدی قوت می‌گرفت که منجر به لشکرکشی هر دو کشور در نوار مرزی می‌شد؛ و با پا در میانی و میانجیگری کشورهای همسایه و ... از تنش آن کاسته می‌شد. اختلافات بین دو کشور بر سر منطقه پشتونستان بوده که دولتها در افغانستان بارها مؤکداً ادعا داشته و دارند که منطقه پشتونستان جزء لاینفک سرزمین افغانستان است. مسئله پشتونستان به حدی برای افغانستان مهم است که یک وزارت را به نام اقوام و قبایل تشکیل داده‌اند و در سال یک روز را به نام روز پشتونستان جشن می‌گیرند. مسئله پشتونستان برای افغانستان به حدی اهمیت دارد که پشتونستان را جزو ایالت‌های کشور دانسته و در سرود اخبار سراسری روزانه جزو شعار ملی خود (دپشتونستان ز مونژ، دا افغانستان ز مونژ) یعنی (این پشتونستان از ما و این افغانستان از ما) قرار داده بودند و اکنون نیز چنین است.

۳. دولت پاکستان به رهبری ژنرال ضیاءالحق رئیس‌جمهور وقت پاکستان مخالفین رژیم داوودخان و نیز رژیم‌های کمونیستی طرفدار شوروی سابق را مورد حمایت قرار می‌داد. پس از اشغال افغانستان به توسط نیروهای ارتش سرخ شوروی به حمایت از مخالفین دولت و حزب دمکراتیک خلق افغانستان پرداخت و مهاجرین و مجاهدین افغان را در خاک خود جا داد تا از این طریق نیروهای مخالف رژیم کابل را آموزش‌های نظامی و چریکی بدهد، آنها را مسلح سازد و برای تخریب و جنگ به داخل افغانستان بفرستد. یگانه پایگاه نظامی و پایگاه مرکزی مجاهدین افغان در صوبه سرحد پیشاور قرار داشت که از آنجا برای براندازی رژیم کمونیستی حمله می‌کردند. سازمان اطلاعاتی

ارتش پاکستان (ISI)، به خصوص ژنرال حمید گل از رهبران ارتش پاکستان، تا حدی در بین مجاهدین (گروههای اتحاد هفتگانه و اتحاد سه‌گانه) نفوذ پیدا کرده بودند و تمام طرحهای نظامی براندازی دولت افغانستان در اسلام‌آباد و پیشاور مقرر مجاهدین افغان تهیه می‌شد. پس از خروج نیروهای شوروی در سال ۱۹۸۷ از افغانستان، دولت در تبعید افغانستان چند بار در اسلام‌آباد و پیشاور تشکیل شد که هر بار دولت موقت یا دولت در تبعید به خواست و طراحی اطلاعات ارتش بوده است. هیچ‌کدام از رهبران افغان نمی‌توانستند از فرمان دولت پاکستان سرپیچی کنند در غیر آن صورت، از هیچ‌گونه حمایت و کمک نظامی، سیاسی و اقتصادی برخوردار نمی‌شدند. در آن زمان، دو دولت روابط خصمانه با هم داشتند و بارها خاک پاکستان (مرکز نظامی مجاهدین افغان) مورد حملات هوایی کابل قرار می‌گرفت و پاکستان واکنشی از خود نشان نمی‌داد تا از اهداف استراتژیک خود عقب نماند.

۴. پس از شکست و سرنگونی رژیم دکتر نجیب‌الله آخرین حکومت کمونیستی طرفدار و دست‌نشانده شوروی در سال ۱۹۹۲، دولت پاکستان عجلانه تصمیم گرفت و یک حکومت موقت به ریاست صبغت‌الله مجددی برای جمهوری افغانستان در اسلام‌آباد تشکیل داد. نواز شریف نخست‌وزیر وقت پاکستان اولین مقام عالی‌رتبه خارجی بود که از کابل دیدار کرد و موقعی که از هواپیما وارد فرودگاه شد، سجده شکر به جا آورد. او می‌گفت که به خواست و آرمان خود رسیدیم و شکست رژیم کمونیستی در افغانستان را مشاهده کردیم.

با توجه به اینکه دولت موقت مجاهدین به خواست پاکستان نبود، دخالت‌های پنهان آن در دوران حکومت برهان‌الدین ربانی رئیس‌جمهور وقت شروع شد تا حدی که اختلافات در درون دولت (ربانی رئیس‌جمهور و حکمتیار نخست‌وزیر) بروز کرد. دخالت‌های پاکستان در امور داخلی افغانستان باعث به وجود آمدن اعتراضات مردم افغانستان و به ویژه شهروندان کابل قرار گرفت و سفارت اسلام‌آباد در کابل به آتش کشیده شد؛ که در این مورد تنش و اختلافات در روابط دیپلماتیک میان دو دولت به شدت اوج گرفت.

۵. در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶) گروه طالبان با حمایت و کمکهای همه‌جانبه به خصوص شخص بابر، وزیر کشور دولت خانم بی‌نظیر بوتو توانستند، طی چند ماه جنگ، دولت برهان‌الدین ربانی را ساقط کنند و بیش از ۸۰ درصد از خاک افغانستان را در اختیار بگیرند. مجاهدین سابق و گروههای جهادی تحت نام جبهه متحد اسلامی افغانستان به رهبری شهید احمدشاه مسعود از سمت شمال مخالفت خود را با طالبان آغاز کردند. مناطق شمال (مزارشریف) چند بار بین جبهه متحد و طالبان دست به دست گشت. نیروهای طالبان، که با حمایت همه‌جانبه زمامداران اسلام‌آباد می‌جنگیدند، شکست خوردند. در نهایت، با مقاومت بسیار، توانستند که پس از چندین درگیری و جنگهای شدید، منطقه شمال (مزار شریف) را به تصرف خود درآورند.

۶. پاکستان اولین کشوری بود که رژیم طالبان (ملا محمد عمر) را به رسمیت شناخت و زمینه را مساعد کرد تا سایر کشورها از جمله عربستان سعودی، کویت، امارات و قطر حکومت ملا عمر را به رسمیت شناخته رژیم طالبان را تحت حمایت مالی و سیاسی قرار دهند. البته این به رسمیت شناختن و کمکها نه تنها به حکومت طالبان مقبولیت نداد بلکه در نتیجه عملکرد و افراطی‌گری طالبان به مرور زمان از حمایتهای جهانی و سازمانهای بین‌المللی نسبت به حکومت آنها کاسته شد، و هیچ‌گونه مشروعیت در مجامع بین‌المللی پیدا نکردند. کشورهای همسایه از جمله جمهوری اسلامی ایران، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، چین و همچنین هند و روسیه هیچ‌کدام رژیم طالبان را به رسمیت نشناختند، و به حمایت از مجاهدین پرداختند. و در مجامع سازمانهای بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفتند. بر عکس، رژیم طالبان در مجامع بین‌المللی و افکار عمومی به عنوان طرفدار تروریسم به خصوص پس از شهادت دیپلماتهای ایرانی در مزار شریف محکوم شد. گروه طالبان افغانستان را مرکز آموزشهای نظامی و پایگاه امن برای رهبر القاعده (اسامه بن لادن) و سایر مبارزان مسلمان از کشورهای آفریقایی، آسیای میانه به خصوص چینیه‌ها و شبه‌قاره هند و ... قرار داده بودند، و عده‌ای از این مبارزان تابعیت افغانستان را به دست آوردند.

۷. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ گروه القاعده به رهبری اسامه بن لادن مورد سوءظن آمریکاییها قرار گرفت. دولت آمریکا چندین بار به علت متهم کردن بن لادن و

دست داشتن او در انفجار برجهای تجاری، از گروه طالبان خواستار اخراج نیروهای القاعده، علی‌الخصوص بن لادن، شد؛ ولی طالبان نه تنها به خواسته آمریکا توجه نکردند بلکه حمایت همه‌جانبه خود را از گروه القاعده اعلام و آنها را برادر مسلمان خود تلقی کردند. در این مسئله خواست آمریکا پذیرفته نشد. سرانجام پس از چند ماه نیروهای آمریکا وارد عمل شدند و با همکاری نیروهای جبهه متحد اسلامی افغانستان، پس از جنگ و درگیری یک ماهه، رژیم طالبان را ساقط کردند. پس از شکست، اکثر نیروهای طالبان خاک افغانستان را ترک و به کشور حامی خود (پاکستان) پناهنده شدند. پس از چند روز دولت انتقالی اسلامی افغانستان که زمینه آن در کنفرانس بن فراهم شده بود، تشکیل شد و رئیس‌جمهور حامد کرزی زمام امور و هدایت کشتی توفان‌زده را به دست گرفت. دولت پاکستان از اضمحلال و سقوط رژیم طالبان به خشم آمده بود.

۸. پس از سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت انتقالی افغانستان به رهبری حامد کرزی، دولت پاکستان محطاطانه با دولت کابل روابط برقرار کرد. گرچه سفرهای مقامات عالی‌رتبه در سطح رئیس‌جمهوری به هر دو کشور صورت گرفته ولی متأسفانه کدورت و تنش بین دو طرف باقی ماند؛ اکنون هر کدام از دو طرف در ناآرامیهای داخلی خود همدیگر را به دست داشتن و حمایت از مخالفین خود متهم می‌کنند. دولت پاکستان در ناآرامیهای سیستان و بلوچستان و سرحدات خود دولت افغانستان را متهم می‌نماید و دولت افغانستان در مورد مسلح کردن مخالفین و ناامن کردن افغانستان، پاکستان را در امور داخلی متهم می‌کند. طی روزهای اخیر تنش شدت بیشتری پیدا کرده است و حتی کرزی رئیس‌جمهوری اسلامی افغانستان در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۸ طی یک سخنرانی در جمع مردم جلال‌آباد، خطاب به ژنرال مشرف رئیس‌جمهور پاکستان اظهار داشت: «آقای مشرف، دیگر آن زمان گذشت که پاکستان در اسلام‌آباد برای افغانستان دولت تعیین می‌کرد و حالا افغانستان برای خود دولت قانونی دارد» دولت پاکستان در این مورد هر نوع اتهامات دولت کابل را رد می‌کند. در همین مورد، مجددی رئیس‌مجلس سنا و نیز فرمانده ناتو در افغانستان، ضمن ابراز ناخرسندی، دولت پاکستان را در ناآرامیهای استانهای جنوب شرقی و تشدید حملات انتحاری و انفجارات مخالفین دولت کابل نسبت به نیروهای آمریکایی و ائتلافی و افغان متهم کرد.

۹. روابط دیپلماتیک مطلوب دولت افغانستان با هند، که دشمن دیرینه پاکستان می‌باشد، و نزدیکی بیشتر کابل با دهلی باعث ناراحتی دولت اسلام‌آباد می‌شود؛ آنها مایل‌اند روابط کابل و دهلی صمیمانه نباشد. دولت هند در طول سه دهه گذشته، چه در دوران حکومت کمونیستی و چه در دوران حکومت مجاهدین، از دولتهای حاکم بر افغانستان حمایت به عمل آورده است. اکنون نیز یکی از کشورهای حامی دولت کابل به حساب می‌آید و در بازسازی نقش مهمی ایفا می‌کند.

۱۰. دولت پاکستان خواستار حاکمیت یک دولت ضعیف و ناکارآمد در افغانستان می‌باشد؛ و اگر دولت قوی و باثبات در افغانستان استقرار پیدا کند، پاکستان طبعاً احساس خطر می‌کند. تلاشهای زیادی در این زمینه نیز صورت گرفته است. به طور مثال: آقای نواز شریف نخست‌وزیر وقت پاکستان در دهه‌ای ۱۹۹۰ طی نطقی در اجتماع مردم حزب مسلم لیک در تبلیغات کاندیداتوری خود برای نخست‌وزیری، اظهار داشت که: من بهترین فعالیت و دستاورد در طی دو دهه این بوده که ارتش باسابقه کشور همسایه (افغانستان) را، که بالقوه ما را تهدید می‌کرد، از هم پاشانیدیم... و اینها را از جمله خدمات و شایستگیهای خود قلمداد می‌کرد. پس معلوم می‌شود که افغانستان قوی و باثبات به نفع پاکستان نبوده و نخواهد بود. از طرف دیگر، اگر در افغانستان یک دولت قوی و نیرومند روی کار باشد پاکستان بیم دارد که افغانستان حق مالکیت سرزمینی خود را (که طی قرارداد دیورند و گندمک تحت حاکمیت پاکستان است) دوباره استرداد نماید. علاوه بر آن، در پاکستان، به خصوص در صوبه سرحد (پیشاور)، اکثریت‌شان پشتون می‌باشند؛ حزب عوامی (نشئل پارتی)، که خود را افغان می‌دانند، رهبر فقیدشان عبدالغفارخان در زمان حیات خود خطاب به مهاجرین افغان می‌گفت که شما مهاجر نیستید این وطن مال شماست. او در وصیتنامه برای فرزندان و هواداران خود نوشته بود در صورت فوت جنازه‌اش را در سرزمین اصلی و آبا و اجدادی خودش افغانستان دفن کنند. عبدالغفارخان پس از فوت در جلال‌آباد افغانستان، میان سرحد پاکستان و افغانستان، دفن شد. دولت پاکستان از این خوف دارد که ممکن است در آینده پشتونها، که اکثریت ساکنان مناطق صوبه سرحد پیشاور و پشتونستان را تشکیل می‌دهند، روزی ادعای استقلال کنند و به افغانستان بپیوندند؛ یا اینکه دولت افغانستان

اقتدار ملی قوی پیدا کند نواحی دیورند و گندمک را استرداد نمایند. در هفته‌های گذشته، که خشونت‌ها در افغانستان شدت پیدا کرده بود، نمایندگان مجلس شورای ملی در نشست‌ها و جلسات خود موضوع استرداد سرزمین‌های گندمک و دیورند را مطرح کرده بودند.

۱۱. طی روزهای اخیر که خشونت و ناامنی در افغانستان رو به افزایش می‌باشد و تلاش از راه سیاسی و دیپلماتیک برای کاهش تنش و ناامنی کارساز نیست، ریاست جمهوری اسلامی افغانستان آقای حامد کرزی از راه غیردیپلماتیک وارد عرصه شده و طی نامه‌ای در مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۸ برای رهبران جماعت اسلامی فضل الرحمن و همچنان پشتونخواه، از سران مذهبی و ملی خواسته است تا از نفوذ خود استفاده کرده بر نیروهای دولتی پاکستان فشار بیاورند که از دخالت در امور داخلی افغانستان خودداری نمایند.

تحلیل‌گران سیاسی بر این عقیده‌اند که دولت پاکستان سیاست یک بام و دو هوا را در پیش گرفته است. از یک طرف خود را جزو کشورهای ائتلاف و هماهنگ در مبارزه با تروریسم می‌داند — در صورتی که از تروریسم حمایت می‌کند؛ تروریست‌ها آنها را در خاک خود پناه داده و نیروهای القاعده را در خاک خود مسلح می‌سازد و برای ایجاد رعب و وحشت وارد افغانستان می‌کند و طی هفته‌های گذشته دولت پاکستان نیروهای طالبان سرحدی وزیرستان پاکستان را به منظور کنترل مناطق خود به رسمیت شناخته است. از طرف دیگر، به بهانه تعقیب نیروهای القاعده، سلطه و کنترل خود را به منطقه پشتونستان و وزیرستان را که طی سال‌های متمادی بر آنها سلطه نداشته و در آن سرزمین هیچ حکومتی حاکم نبوده و مردم آن به شکل خودمختاری زندگی کرده و از سوی سران اقوام اداره می‌شدند تحت سلطه خود در آورد. در دوران جهاد و اشغال افغانستان به دست نیروهای شوروی، که حکومتها در افغانستان درگیر جنگ‌های داخلی بودند، نیروهای پاکستانی از فرصت استفاده نموده کیلومترها در داخل خاک افغانستان پیش رفته پاسگاه‌های مرزی خود را تأسیس و مستحکم نموده است.

